ایجاد فرم‌های جدید همبستگی نیاز امروز جامعه ایران

سپهرغرب، گروه اجتماعی – طاهره ترابی‌مهوش: در گفت‌وگو با یک جامعه‌شناس مشخص شد؛ در پی رنگ باختن فرم‌های همبستگی سنتی، جامعه باید بتواند نهادهای جدیدی ایجاد کند که جایگزین گروه‌های سنتی شوند چراکه امروز در کشورهای پیشرفته، افراد از طریق انجمن‌های محلی، باشگاه‌های ورزشی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی ارتباطات اجتماعی خود را حفظ می‌کنند، ایجاد چنین نهادهایی در ایران نیز می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

ازجمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی، دو مفهوم همبستگی اجتماعی و مشارکت عمومی است. همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علایق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است. این واژه با واژه‌های دیگری همچون یکپارچگی اجتماعی، وحدت و وفاق اجتماعی از یک خانواده هستند.

در مورد همبستگی اجتماعی تعاریف مختلفی ارائه شده ازجمله احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آن‌ها باشد.

به زبان جامعه‌شناختی همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند.

انسجام و وحدت اعضای جامعه، ازجمله مهم‌ترین عواملی هستند که موفقیت آن‌ها را تضمین می‌کند و جامعه را به سوی رشد و تعالی سوق می‌دهد. از سوی دیگر تفرقه و پراکندگی موجب زوال و انحطاط است. به‌نظر می‌رسد طی سال‌های اخیر ما با معضل کاهش همبستگی و تمایل به فردگرایی افراطی مواجهیم در حالی که افزایش حس همبستگی و تعامل مثبت در بین نوجوانان با اختلافات طبقاتی در جامعه، یک چالش مهم است که به راهبردهای مؤثری نیاز دارد.

اختلافات طبقاتی می‌تواند به تفکرات منفی، تعارضات و انزوا منجر شود و برای رشد و توسعه صحیح افراد مضر باشد. بنابراین، ایجاد حس همبستگی و تعامل مثبت بین مردم با اختلافات طبقاتی در مدرسه، اهمیت بسیاری دارد.

به‌نظر می‌رسد که در سال‌های اخیر میزان همبستگی اجتماعی در ایران کاهش یافته. این مسئله با نشانه‌هایی از افزایش فردگرایی در جامعه همراه است. در گفت‌وگو با دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، به بررسی این نشانه‌ها، دلایل این تغییرات، و پیامدهای آن خواهیم پرداخت.

دکتر عبدالوهاب شهلی‌بر با اشاره به اینکه با ورود جوامع به فرآیند مدرن شدن، فردگرایی اهمیت بیشتری پیدا کرده گفت: در دوران مدرن، هویت افراد نه بر اساس جایگاه اجتماعی یا خانوادگی، بلکه بر اساس توانایی‌های تحصیلی، مهارت‌ها و شخصیت فردی آن‌ها تعریف می‌شود، در حالی که در جوامع سنتی، جایگاه اجتماعی افراد وابسته به طبقه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها بود.

وی با تأکید بر اینکه در دنیای مدرن، فردگرایی به معنای کاهش همبستگی اجتماعی نیست اذعان کرد: فردگرایی، آزادی‌ها و اختیارات بیشتری به افراد می‌دهد اما همبستگی اجتماعی به معنای توانایی افراد در تشکیل گروه‌های مختلف، ازجمله نهادهای مدنی، انجمن‌های محلی و اصناف، همچنان اهمیت دارد.

وی عنوان کرد: جامعه‌شناسان گروه‌های اجتماعی را به دو دسته تقسیم می‌کنند؛ نخست گروه‌های اولیه که افراد به‌طور طبیعی در آن‌ها متولد می‌شوند، مانند خانواده و محله و دیگری گروه‌های ثانویه که افراد در مراحل مختلف زندگی در آن‌ها مشارکت می‌کنند، مانند مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی.

این جامعه‌شناس با ابراز اینکه به‌نظر می‌رسد که جامعه ایران در حال خروج از ساختارهای سنتی است اما هنوز به‌طور کامل در ساختارهای مدرن تثبیت نشده، این وضعیت گذار، که در جامعه‌شناسی به عنوان «وضعیت آنومیک» شناخته می‌شود، باعث نوعی سردرگمی اجتماعی شده تشریح کرد: افراد از یک سو به‌دنبال گسترش قابلیت‌های فردی خود و از سوی دیگر همچنان به ارزش‌های سنتی پایبند هستند.

شهلی‌بر در خصوص تأثیر بحران اقتصادی بر همبستگی اجتماعی گفت: یکی از دلایل کاهش همبستگی اجتماعی، بحران اقتصادی است چراکه در شرایط اقتصادی نامناسب، افراد بیشتر به تأمین نیازهای اولیه خود متمرکز می‌شوند و کمتر فرصت و امکان کمک به دیگران را دارند زیرا هزینه‌های اجتماعی، مانند برگزاری دورهمی‌های خانوادگی یا دوستانه، افزایش یافته و در نتیجه تعاملات اجتماعی کاهش پیدا کرده است.

وی ادامه داد: با این حال، در برخی موارد، بحران اقتصادی می‌تواند به تشکیل همبستگی‌های جدید منجر شود. نمونه‌هایی از این همبستگی‌ها را می‌توان در صندوق‌های خانوادگی یا گروه‌های همکاری مالی مشاهده کرد که در شرایط سخت اقتصادی ایجاد می‌شوند اما در بیشتر موارد، بحران اقتصادی باعث کاهش تعاملات اجتماعی و افزایش فردگرایی می‌شود.

این جامعه‌شناس درواکنش به نقش فضای مجازی در افزایش فردگرایی، گفت: فناوری و شبکه‌های اجتماعی تأثیر عمیقی بر روابط اجتماعی گذاشته‌اند، پلتفرم‌های مجازی امکان ارتباط افراد را بدون محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی فراهم کرده‌اند، به طوری که افراد می‌توانند در هر ساعت از شبانه‌روز با دیگران ارتباط برقرار کنند و گروه‌های مجازی با هزاران عضو شکل بگیرند.

شهلی‌بر ادامه داد: این تغییرات باعث شده که بسیاری از افراد، به‌ویژه جوانان، تعاملات حضوری کمتری داشته باشند به طوری که امروزه حتی در جمع‌های خانوادگی یا هنگام حضور در مکان‌های عمومی مانند رستوران‌ها، افراد بیشتر وقت خود را صرف استفاده از گوشی‌های هوشمند و حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند تا تعامل رو در رو با دیگران.

وی در خصوص نقش مهاجرت و تغییر سبک زندگی و کاهش همبستگی اجتماعی، اذعان کرد: مهاجرت یکی از عوامل مهم در کاهش همبستگی اجتماعی است. در گذشته، افراد معمولاً در محل تولد خود زندگی، کار و ارتباطات اجتماعی خود را حفظ می‌کردند اما امروزه، به‌ویژه در شهرهای بزرگ، گمنامی و روابط مبتنی بر منطق و کارکرد جایگزین روابط احساسی و سنتی شده است.

وی خاطرنشان کرد: جامعه‌شناسان معتقدند که در کلان‌شهرها و دنیای مدرنیته، روابط اجتماعی بیشتر بر اساس عقلانیت و نقش‌های بروکراتیک شکل می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، در جوامع کوچک سنتی همچون روستا، افراد پیش‌تر به‌صورت داوطلبانه به یکدیگر کمک می‌کردند، اما در شهرهای بزرگ، نهادهای دولتی و سازمان‌های رسمی وظیفه رسیدگی به مشکلات اجتماعی را بر عهده دارند اما نکته این است که این تغییرات ناشی از ویژگی‌های ذاتی مدرنیته است و نمی‌توان آن را صرفاً به‌عنوان یک آسیب اجتماعی در نظر گرفت.

وی در واکنش به تأثیر کاهش روابط اجتماعی بر سلامت روان، اظهار کرد: یکی از پیامدهای مهم کاهش تعاملات اجتماعی، تأثیر منفی بر سلامت روان افراد است.

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه مفهوم «سرمایه اجتماعی» نشان می‌دهد که داشتن شبکه‌ای از دوستان و آشنایان می‌تواند تأثیر مستقیمی بر سلامت جسمی و روحی افراد داشته باشد گفت: تحقیقات پزشکی نشان داده افرادی که شبکه اجتماعی قوی‌تری دارند، از سلامت روان بهتری برخوردارند، برای مثال، بسیاری از افراد پس از بازنشستگی، به‌دلیل از دست دادن روابط کاری، دچار افسردگی و مشکلات جسمی می‌شوند؛ اما افراد با تعاملات اجتماعی، بهتر می‌توانند از این دوران گذر کنند.

شهلی‌بر درخصوص پیامدهای اجتماعی فردگرایی عنوان کرد: افزایش فردگرایی می‌تواند بر مسائلی مانند ازدواج، افزایش طلاق و کاهش فعالیت‌های خیریه تأثیر بگذارد اما نباید آن را صرفاً یک پدیده منفی در نظر گرفت به‌عنوان مثال، زندگی مستقل زوج‌های جوان در دوران مدرن به آن‌ها آزادی بیشتری می‌دهد و می‌تواند کیفیت زندگی را بهبود بخشد.

وی افزود: نکته مهم این است که جامعه باید بتواند نهادهای جدیدی ایجاد کند که جایگزین گروه‌های سنتی شوند چراکه امروز در کشورهای پیشرفته، افراد از طریق انجمن‌های محلی، باشگاه‌های ورزشی، احزاب سیاسی و نهادهای مدنی ارتباطات اجتماعی خود را حفظ می‌کنند، ایجاد چنین نهادهایی در ایران نیز می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند.

این جامعه‌شناس با بیان اینکه ایران در حال تجربه تغییرات اجتماعی و فرهنگی سریع است تشریح کرد: بسیاری از هنجارها و ارزش‌های سنتی در حال تغییر هستند، اما هنوز جایگزین‌های جدیدی برای آن‌ها پیدا نشده، به جای نگاه صرفاً آسیب‌شناسانه به این تحولات، باید به‌دنبال راهکارهایی برای ایجاد فرم‌های جدید همبستگی اجتماعی باشیم.

شهلی‌بر، ادامه داد: همچنین، لازم است که با درک درست از ویژگی‌های دنیای مدرن، نهادهایی ایجاد کنیم که بتوانند نیازهای اجتماعی جدید را برآورده کند چراکه تنها در این صورت می‌توان همبستگی اجتماعی را در جامعه تقویت و از آسیب‌های ناشی از فردگرایی افراطی جلوگیری کرد.

مع‌الوصف با توجه به تجارت موجود در جوامع مختلف انسجام، یگانگی و اتحاد مردم یک جامعه، اسباب حرکت آن‌ها به سمت هدف‌های مطلوب است و رشد جامعه را در پی دارد، حال آن که تفرق، ناهماهنگی و اختلاف درونی جامعه پایه‌های قدرت و قوام جامعه را دچار تزلزل می‌کند و امتیازات موجود را نابود می‌کند. به دیگر سخن استمرار و پایداری حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و همچنین توسعه یک جامعه در گرو انسجام و همبستگی بین اجزاء و عناصر سازنده ساختار اجتماعی آن جامعه است؛ در صورتی که همبستگی اجتماعی و روابط افراد در جامعه، افزایش یابد، تعلق و وفاداری به اجتماع ملی افزایش پیدا می‌کند نیازی که امروز در جامعه ایرانی کمبود آن به‌وضوح احساس می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود دستگاه‌های مرتبط با حوزه و مسائل اجتماعی، به فکر ایجاد فرم‌های جدیدی از همبستگی اجتماعی باشند.

بانک زمان؛ پس‌اندازی متفاوت بدون نیاز به سرمایه‌گذاری با پول

سپهرغرب، گروه اجتماعی: وقتی مردم اسم بانک زمان را می‌شنوند، سرمایه‌گذاری مالی و بده و بستان اعتباری در ذهن آنها متبادر می‌شود غافل از آنکه بانک زمان، بانکی است که با سرمایه‌گذاری در آن می‌توانند در هنگام سالمندی و بیماری و برای فردای خود، عصای دستی تضمین کنند.

در سال ۲۰۱۲ در یکی از شهرهای سوئیس به‌منظور افزایش نیروی انسانی شاغل در بخش مراقبت از سالمندان، یک طرح آزمایشی با عنوان بانک زمان برای جذب و اشتغال مجدد کارکنان بازنشسته بخش خدمات مراقبت از سالمندان اجرا شد.

در این طرح، بازنشستگان بالای ۶۰ سال بخش مراقبت از سالمندان که خود قبلاً در این بخش شاغل بوده و دارای وقت آزاد بودند می‌توانستند در قالب بانک زمان برای مراقبت از سالمندان بالای ۸۰ سال مشارکت کنند و براساس تعداد ساعات مراقب از آن‌ها در حساب خود زمان پس‌انداز کنند و زمانی که خود پیرتر شدند و به مراقبت نیاز داشتند زمان پس‌انداز شده را برای دریافت خدمات مراقبتی خرج کنند.

در ایران نیز با افزایش جمعیت سالمندان و نیاز روزافزون به خدمات مراقبتی، مفهوم بانک زمان در قالب بند الحاقی لایحه برنامه هفتم پیشرفت مطرح شده؛ چنانکه در آبان ماه سال ۱۴۰۲ در ادامه بررسی این لایحه، وزارت تعاون موظف شد تا بانک زمان را راه‌اندازی کند.

هرچند که بانک زمان هنوز راه‌اندازی نشده اما در بند الحاقی (ت) ماده ۳۱ برنامه هفتم پیشرفت آمده که وزارت تعاون، کار ورفاه اجتماعی موظف است در چارچوب سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی با بهره‌گیری از شرکت‌های مردمی نسبت به ایجاد بانک زمان برای ارائه خدمات رایگان به افرادی که نیاز به مراقبت‌های ویژه ازجمله نگهداری سالمندان و معلولان دارند، اقدام کند تا پس از جذب افراد علاقه‌مند به ارائه خدمات اقدام و به میزان و نوع ارائه خدمات در هنگام نیاز خود یا افراد معرفی شده از سوی ایشان مورد حمایت قرار گیرند.

■ زمانی که می‌بخشیم، راحتیِ فردایی که می‌اندوزیم

در طرح بانک زمان، ما زمان خود را وقف مراقبت از سالمندان و معلولان می‌کنیم و در ازای آن از سالمندان و معلولان چیزی نمی‌خواهیم اما در عوض، زمان مراقبت از آن‌ها را در بانک زمان اندوخته می‌کنیم تا در فردای سالمندی و ناتوانی، این بانک نیز زمان شخص دیگری را برای مراقبت از ما به ما اختصاص دهد.

طرح بانک زمان با هدف ایجاد شبکه‌ای از همکاری مردمی، بستری برای تقویت حمایت‌های اجتماعی از گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم می‌کند. اما اهمیت این ایده تنها به ارائه خدمات محدود نمی‌شود؛ بلکه بستری برای سرمایه‌گذاری در زمان و تضمین آینده‌ای بهتر است که در موقع ناتوانی به داد آن‌ها برسد. اما این سرمایه‌گذاری با پول و اسکناس سر و کار ندارد.

رئیس مجلس شورای اسلامی درباره ضرورت این طرح می‌گوید: این وقف زمان است که فردی زمان خود را به صورت داوطلبانه نذر خدمت به سالمندان می‌کند و به‌عنوان مجموعه‌ای که حقوق بگیر شوند، نیست.

محمدباقر قالیباف افزود: این نذر وقت، برای رسیدگی به سالمندان است و وزارت تعاون را مکلف کرده است که بسترسازی برای این حوزه انجام دهد چون این کار در دنیا انجام می‌شود و نیاز است در کشور ما هم عملیاتی شود.

■ ضرورت راه‌اندازی بانک زمان؛ پلی بین نسل‌ها

بانک زمان مفهومی است که بر اساس مبادله غیرمالی خدمات اجتماعی شکل گرفته است. در این سیستم، افراد وقت خود را صرف کمک به دیگران می‌کنند و در مقابل، زمانی را برای آینده خود ذخیره می‌کنند. برای مثال، فردی که امروز چند ساعت از وقت خود را به مراقبت از یک سالمند اختصاص می‌دهد، می‌تواند این زمان را در حساب خود ذخیره کند و در آینده، در صورت نیاز به خدمات مشابه از آن استفاده کند.

این رویکرد نه‌تنها باعث کاهش فشارهای اقتصادی بر سیستم‌های رفاهی می‌شود، بلکه ارتباطی مستقیم میان نسل‌های مختلف ایجاد می‌کند. افراد با مشارکت در این سیستم، احساس مفید بودن و همبستگی اجتماعی را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، سالمندان و معلولینی که نیازمند مراقبت هستند، خدماتی با کیفیت و دلسوزانه دریافت می‌کنند.

■ ضرورت بومی‌سازی طرح بانک زمان در ایران

طرح بانک زمان می‌تواند به شکلی گسترده‌تر از نسخه اولیه خود در سوئیس عمل کند و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ایران به بستری برای تقویت حمایت‌های مردمی تبدیل شود. از سوی دیگر، با توجه به افزایش جمعیت جوان بازنشسته، این سیستم می‌تواند از توانایی‌ها و وقت آزاد این گروه برای ارائه خدمات استفاده کند.

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور نیز درباره ضرورت بومی‌سازی طرح بانک زمان در ایران می‌گوید: بانک زمان باید با در نظر داشتن شرایط بومی تدوین شود و سه مثلث خدمت‌دهنده، خدمت گیرنده و نوع خدمت با رویکرد وظایف قانونی دستگاه‌ها و مزایای مترتب بر خدمات مشخص باشد.

■ چالش‌های احتمالی پیش‌رو

اجرای موفقیت‌آمیز بانک زمان نیازمند توجه به چالش‌ها و موانع احتمالی ازجمله آموزش و فرهنگسازی، نظارت و مدیریت، زیرساخت‌های فناوری و ایجاد انگیزه‌های مشارکت است.

بسیاری از افراد ممکن است با مفهوم بانک زمان آشنایی نداشته باشند. آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب می‌تواند افراد را به مشارکت در این طرح تشویق کند. همچنین برای اطمینان از کیفیت خدمات و جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی، نظارت دقیق بر عملکرد بانک زمان ضروری است.

بانک زمان نیازمند یک سیستم مدیریت فناوری پیشرفته است تا بتواند ساعات خدمات ارائه‌شده را ثبت و مدیریت کند. از سوی دیگر برای جذب افراد به این طرح، باید انگیزه‌های مناسبی ایجاد شود. این انگیزه‌ها می‌توانند شامل تخفیف‌های خدماتی، دسترسی به خدمات اجتماعی یا حتی پاداش‌های مالی محدود باشد.

■ آینده‌ای روشن با سرمایه‌گذاری در زمان

بانک زمان، ایده‌ای نوین و کارآمد است که با بهره‌گیری از دارایی غیرمالی انسان‌ها، یعنی زمان، بستری برای ایجاد همبستگی اجتماعی و تقویت حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر فراهم می‌کند. اجرای این طرح در کشورمان با توجه به چالش‌های موجود، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، آموزش عمومی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب است.

در نهایت، سرمایه‌گذاری در بانک زمان نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی سالمندان، معلولان و افراد ناتوان کمک می‌کند، بلکه گامی مهم در جهت ایجاد جامعه‌ای همدل‌تر و مسئول‌تر است.

همانطور که در این سیستم، افراد زمانی را می‌بخشند و زمانی را برای آینده خود ذخیره می‌کنند، می‌توان گفت که بانک زمان فرصتی برای سرمایه‌گذاری در انسانیت است. این طرح، گنجینه‌ای است که همگان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و چرخه‌ای از حمایت متقابل ایجاد کنند که نسل‌های آینده نیز از آن بهره خواهند برد.

انباشت ناکامی و رواج پرخاشگری

سپهرغرب، گروه اجتماعی: هر فردی ممکن است در زندگی خود با ناکامی در زمینه‌های مختلف مانند تحصیل، ازدواج و شغل مواجه شود که به اعتقاد جامعه‌شناسان، انباشت آن‌ها می‌تواند بتدریج همراه با آسیب‌هایی مانند پرخاشگری در سطح جامعه نمود داشته باشد.

در واکاوی آنچه که در سطح جامعه و امور روزمره مردم می‌گذرد به اذعان پژوهشگران اجتماعی و جامعه شناسان، نشانه‌های انباشت ناکامی در زمینه‌های مختلف مشهود است که این مسئله چنانچه از سوی مسوولان امر، مدیریت و برای آن چاره‌اندیشی نشود به رواج بیشتر آسیب‌هایی مانند پرخاشگری منتهی می‌شود.

به گفته روان‌شناسان، پرخاشگری رفتاری نشأت‌گرفته از هیجان، خشم و عصبانیت است و عواملی همچون ناکامی، محرومیت از علاقه‌مندی‌ها و نرسیدن به اهداف در شکل‌گیری آن نقش دارند.

این ناکامی‌ها می‌تواند در زمینه‌ها و مقاطع مختلف زندگی باشد مانند افرادی که نتوانند شغلی متناسب با وضعیت خود به‌ویژه میزان تحصیلات به‌دست آورند، همانطور که نتایج طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران در پاییز امسال نشان می‌دهد نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حدود ۲۰ درصد و نرخ بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی ۱۱ درصد اما میانگین نرخ بیکاری بطور کلی ۷٫۲ درصد بوده است.

برخی از افراد نیز ممکن است در زمینه ازدواج با ناکامی‌هایی مواجه شوند؛ طبق آمار سازمان ثبت احوال، بیش از ۱۱ میلیون جوان ایرانی مجرد سن متعارف ازدواج را رد کرده و هرگز ازدواج نکرده‌اند و همچنین آمار طلاق در سال‌های اخیر قابل تأمل بوده است.

بر اساس جدیدترین آمار، نرخ رشد تعداد خانوارها در کشور از رشد جمعیت پیش گرفته است و این موضوع به عقیده کارشناسان به معنی ظهور یک تغییر اجتماعی و نشانه افزایش تمایل به زندگی مجردی و کوچکتر شدن بُعد خانوارهاست.

از طرفی بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی هر سال بطور میانگین ۶۰۰ هزار پرونده نزاع (خشونت) به مراکز پزشکی قانونی کشور ارجاع می‌شود؛ سال گذشته بیش از ۵۸۶ هزار مصدوم ناشی از نزاع خیابانی و خانگی به مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور مراجعه کردند که از این تعداد ۶۷ درصد مرد و ۳۳ درصد زن بودند.

جامعه‌شناسان و پژوهشگران اجتماعی با توجه به این مسائل تأکید دارند که انباشت این قبیل ناکامی‌ها در طول زندگی افراد، دروازه ورود به پرخاشگری و تولید خشم در جامعه است از این رو هنگام مواجه شدن با ناکامی باید آن را به‌صورت یک مسئله مطرح کرد و راه حلی برای رفع آن یافت.

■ ناکامی و خشونت اجتماعی

به گفته یک جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی، ناکامی در مسیر اهداف شخصی و انباشت این موضوع در مقاطع مختلف زندگی، بتدریج به خشم متراکم اجتماعی منتهی می‌شود که این مسئله نیازمند ریشه‌یابی و تمهیدات پیشگیرانه است.

امان‌الله باطنی افزود: بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده، مهم‌ترین عامل خشونت و پرخاشگری، ناکامی عنوان شده و خشمی که در جامعه پدیدار می‌شود نیز ناشی از همین موضوع است.

وی با بیان اینکه نظریات روانشناسی اجتماعی حاکیست رابطه معناداری بین ناکامی و وقوع رفتار پرخاشگرانه وجود دارد، اظهار کرد: بخش قابل تأملی از پدیده نزاع خیابانی ناشی از ناکامی اجتماعی است، به‌طوری که پژوهش‌ها نشان داده برای کاهش این مسئله باید زمینه‌های ایجاد ناکامی در افراد را تقلیل داد.

وی گفت: با افول سرمایه اجتماعی که شامل سه عنصر «انسجام اجتماعی»، «مشارکت اجتماعی» و «اعتماد» است جامعه بی دفاع می‌شود و پدیده‌های نابهنجاری مانند نزاع‌های خیابانی افزایش می‌یابد.

این پژوهشگر اجتماعی خاطرنشان کرد: به‌نظر می‌رسد بیشترین نوع ناکامی که در آینده بناچار با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، ناکامی‌های زنان است که بیشتر از هر چیز در آمار تجرد قطعی دختران و نرخ بیکاری دانش‌آموختگانِ زن خود را نشان می‌دهد.

به گفته باطنی، دو سوم تجرد قطعی در کشور دارای الگوی زنانه است و این آمار در گروه سنی بین ۴۰ تا ۵۰ سال در دهه آینده به بیش از دو میلیون نفر خواهد رسید.

وی با بیان اینکه بر اساس آمار نرخ بیکاری دانش آموختگان زن از مردان بیشتر و تقریباً دو برابر است، افزود: این موارد در بطن خود ناکامی اجتماعی ایجاد می‌کند که در نهایت به بروز و ظهور پرخاشگری در جامعه دامن می‌زند.

این پژوهشگر اجتماعی ادامه داد: بر اساس نتایج پژوهش‌های جامعه شناسی، تعداد خواستگاری‌های نافرجام، ازدواج‌های منجر به طلاق و تغییر شغل افراد برای درآمد کافی ازجمله ناکامی‌هایی است که پاسخ پرخاشگرانه شدیدتری خواهند داشت.

باطنی ادامه داد: پرخاشگری و خشونت در مناطقی که زندگی گرانتر و سبد هزینه خانوار نحیف‌تر و نرخ بیکاری افزون‌تر است شیوع بیشتری دارد.

وی بر این باور است در جوامعی که شهروندان به‌دلیل میل بیشتر به پیشرفت، انگیزه ناکام مانده قوی‌تری دارند فشار برای پرخاشگری نیز بیشتر است.

این پژوهشگر اجتماعی گفت: ناکامی‌ها و حل نشدن آن‌ها همچنین می‌تواند خود را به شکل «تمایل به مهاجرت» نشان دهد که در جامعه با آن مواجه هستیم.

باطنی گفت: ناکامی‌های اجتماعی ممکن است به شکل وندالیسم (تخریب اموال عمومی) و نهیلیسم (هیچ انگاری) نیز نمود پیدا کند.

وی، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های راهگشا برای به حداقل رساندن ناکامی‌های فردی و اجتماعی را ضروری دانست و گفت: جامعه عاری از خشونت؛ مستلزم شناسایی ریشه‌های خشم در گروه‌های مختلف و اقدام برای چاره‌یابی آن‌ها بطور ملموس و با اولویت است.